

دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۲ اسرائیل و تواریخ

گاس کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر آگوست کانکل و آموزه‌های او در مورد کتاب تواریخ هستم. این جلسه دوم، اسرائیل و تواریخ است.

ما آخرین جلسه خود را در مورد تواریخ با صحبت در مورد مفهوم اسرائیل به پایان رساندیم.

نکته ما این بود که تاریخ تواریخ، به شیوه‌ای که برای زمان خود نوشته شده است، برای ایجاد هویتی برای این گروه کوچک از مردم است که مورد نفرت آمونیت‌ها و سامری‌ها و دیگران در اطرافشان هستند، کسانی که نمی‌خواهند آنها دور شهرشان دیوار بکشند یا از معبدشان محافظت کنند. سوال این است: آنها چه کسانی هستند، چرا مهم هستند و چرا اهمیت دارند؟ بنابراین این واقعاً سوالی است که تواریخ باید به آن پاسخ دهد، و برای پاسخ به این سوال، او از یک جای منطقی شروع می‌کند.

کاری که او انجام می‌دهد این است که از ابتدای نژاد بشر شروع می‌کند. بنابراین، کاری که ما اینجا می‌خواهیم انجام دهیم این است که کمی در مورد نحوه پیشرفت وقایع‌نگار در طرح کلی این تاریخ فکر کنیم. او، اول از همه، مختصرترین روش ممکن برای نوشتن تاریخ را به ما ارائه می‌دهد.

کوتاه‌ترین راه ممکن برای نوشتن تاریخ، ذکر نام افراد است. تاریخ چیست؟ خب، داستان روابط افراد، نحوه تعامل آنها با یکدیگر و کارهایی است که انجام داده‌اند. بنابراین، وقایع‌نگار همه اینها را فقط به نام‌ها خلاصه می‌کند.

حال، این افراد همگی بسیار مهم هستند. آنها به ویژه در داستان وقایع‌نگار اهمیت دارند، اما اگر داستان آنها را ندانید، نام آنها مطلقاً هیچ معنایی ندارد، به همین دلیل است که وقایع‌نگار فرض می‌کند خوانندگان همه چیز را در مورد داستان می‌دانند و آن را با جزئیات زیادی می‌دانند. او فرض می‌کند افرادی که او را می‌خوانند و او را درک می‌کنند به همان اسناد مکتوبی که او استفاده می‌کند دسترسی دارند، و بنابراین او آن داستان را از آدم تا نقطه زمانی او در نه فصل اول تا فصل 9، آیه 34 ارائه می‌دهد.

سپس، پس از اینکه او مشخص کرد که اسرائیل در میان تمام ملت‌های جهان کیست و چرا جایگاه آنها در این برهه از زمان در یهود بسیار مهم است، به نکات برجسته‌ای که اسرائیل را تعریف می‌کند، می‌پردازد. این بدان معناست که او قرار است روایت داوود، روایت تأسیس پادشاهی و روایت آماده‌سازی معبد را به ما ارائه دهد. گذشته از همه اینها، اسرائیل چه بود؟ اسرائیل قرار بود نماینده قوم خدا باشد و حضور خدا توسط معبد نشان داده می‌شد و حضور خدا توسط مردمی که در اطراف معبد عبادت می‌کردند، نشان داده می‌شد.

بنابراین، داستان، داستان او از تاریخ اسرائیل برای شناسایی اسرائیل، با داوود آغاز می‌شود و تمام تمرکز او بر داوود و عملکرد معبد است. حال او عملکرد معبد را دقیقاً به همان شکلی که در زمان خودش بوده توصیف می‌کند، اما این را به عنوان سازماندهی شده توسط داوود در زمان خودش توصیف می‌کند، و بنابراین داستان چگونگی پیدایش پادشاهی داوود را تعریف می‌کند و سپس داستان چگونگی آماده‌سازی معبد توسط داوود را بیان می‌کند. سپس، روایت سلیمان را برای ما بیان می‌کند زیرا سلیمان سازنده معبد است.

بنابراین، دومین بخش بزرگ تاریخ او مربوط به سلیمان است. پس از شجره‌نامه‌ها و شرح حال داوود، او درباره سلطنت سلیمان، ساخت معبد توسط سلیمان و سپس سرنوشت پادشاهی سلیمان برای ما می‌گوید. بنابراین، اساساً، او فقط بر پادشاهان یهودا تمرکز می‌کند.

هیچ اشاره‌ای به پادشاهی دوم شمال نشده است. اینطور نیست که وقایع‌نگار این را نداند و خوانندگان هم ندانند. در واقع، اشارات مختلفی وجود دارد که شما را ملزم می‌کند بدانید که پادشاهی اسرائیل حدود سال ۷۲۲ توسط آشوریان به اسارت گرفته شد.

اما وقایع‌نگار هیچ‌کدام از این موارد را به طور خاص برای بیان داستان منظور ما از اسرائیل مرتبط نمی‌داند. زیرا منظور ما از اسرائیل به معبد و داوود و وعده و آنچه سلیمان در تأسیس پادشاهی انجام داد بستگی دارد. بنابراین، پس از اینکه داستان سلیمان و ساخت معبد او را تعریف می‌کند، کمی در مورد داستان یهودا تحت فرمان پادشاهان مختلف آن می‌گوید و از آنها به عنوان نمونه‌ای از آنچه اسرائیل باید باشد استفاده می‌کند. این داستان به خوشی پایان نمی‌یابد.

این داستان با آواز پایان می‌یابد و با معبدی که کاملاً تحت تأثیر تلفیق ادیان قرار گرفته و دیگر به عنوان مکانی برای عبادت استفاده نمی‌شود، خاتمه می‌یابد. وقایع‌نگار داستان خود را به طور قابل توجهی در شخصیت حزقیا ادامه می‌دهد. اکنون حزقیا نیز شخصیت بسیار مهمی در میان پادشاهان است.

در واقع، حزقیا شخصیت بسیار مهمی در کتاب مقدس است. او سه فصل در پادشاهان، چهار فصل در اشعیا و چهار فصل در تواریخ دارد. به ندرت پادشاهی در اسرائیل به اندازه حزقیا به او پرداخته شده است. به خصوص در سه کتاب مختلف.

خب، وقایع‌نگار، حزقیا را از این جهت که نماینده سلیمان در بازسازی معبد است، یکی از مهم‌ترین پادشاهان می‌داند. داستان حزقیا در تواریخ کاملاً در تضاد با تمام چیزهایی است که در پادشاهان و حزقیا می‌خوانید. ما در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد زیرا برای وقایع‌نگار، آنچه حزقیا انجام داد، کلید درک پادشاهی یهودا است.

او معبد را بازسازی کرد و سه فصل طولانی در مورد بازسازی معبد توسط حزقیا به ما می‌دهد. اما البته، پس از حزقیا، داستان چندان شاد هم نیست زیرا در نهایت، یهودا و معبد نیز نابود می‌شوند. مردم به تبعید می‌روند و معبد توسط بابلی‌ها کاملاً ویران می‌شود.

خب، مورخ آینده اسرائیل را چگونه می‌بیند؟ خب، این سوال ما خواهد بود، و این سوال اکثر افرادی است که تواریخ را می‌خوانند. وقتی به بخش اول تواریخ می‌رسیم، می‌خواهیم در مورد شجره‌نامه‌ها و ماهیت آنها صحبت کنیم. حالا، شجره‌نامه‌های مورخ را به عنوان شجره‌نامه‌های خانوادگی در نظر بگیرید.

شجره‌نامه می‌نویسیم، معمولاً آنها را بر اساس چیزی که شجره‌نامه‌های قطعه‌بندی شده می‌نامیم، می‌نویسیم. بنابراین، ما با یک فرد شروع می‌کنیم و تمام نوادگان او، شاید از طرف همسر او را نیز پوشش می‌دهیم، و آن را از هر نقطه‌ای که شروع می‌کنیم تا زمان حال گسترش می‌دهیم، و شجره‌نامه بزرگتر و بزرگتر می‌شود و بر یک خانواده خاص متمرکز می‌شود. این بخشی از کاری است که وقایع‌نگار گاهی اوقات انجام می‌دهد.

بنابراین، برای مثال، داستان داوود چیزی است که ما آن را یک تبارشناسی قطعه‌بندی شده می‌نامیم. به عبارت دیگر، این تبارشناسی خانواده داوود را در بر می‌گیرد و بیان می‌کند که این خانواده در زمان خود چه کسانی بوده‌اند. اما گاهی اوقات تبارشناسی صرفاً فهرستی از مجموعه‌ای از فرزندان است، چیزی که ما آن را

تبارشناسی خطی می‌نامیم، و بنابراین ۴۵۰ سال تاریخ تنها با چند آیه در نامگذاری پسران داوود که پادشاهان یهودا شدند، پوشش داده می‌شود.

نکته دیگر در مورد شجره‌نامه‌ها این است که آنها بیش از یک شکل دارند و در اینجا ما از سموئیل به عنوان مثال استفاده می‌کنیم. وقتی اول سموئیل را می‌خوانید، متوجه می‌شویم که القانه یک افرایمی است، اما وقتی به تواریخ می‌رسیم، می‌بینیم که سموئیل یک لاوی است. بنابراین آیا سموئیل می‌تواند هم افرایمی باشد و هم لاوی؟ خب، در واقع، اگر کمی در مورد شجره‌نامه‌ها فکر کنید، البته که این امکان وجود دارد.

منظورم این است که او می‌توانسته یک لاوی باشد که در افرایم زندگی می‌کرده، و می‌تواند هم افرایمی و هم لاوی باشد. اما شجره‌نامه‌ای که در سموئیل می‌خوانید، که از بسیاری از همان نام‌هایی که تواریخ استفاده می‌کند، استفاده می‌کند، در جهت متفاوتی از تواریخ‌نویس پیش می‌رود، زیرا تواریخ‌نویس می‌خواهد ما سموئیل را به عنوان یک لاوی و یک کاهن بشناسیم. او نمی‌خواهد ما او را به عنوان پیامبر به شکلی که او را می‌شناسیم، عمدتاً در کتاب‌های سموئیل، درک کنیم.

بنابراین، روشی که این تاریخ را آشکار می‌کند، اول از همه، بیان اهمیت اسرائیل در میان تمام ملت‌های جهان است. در زمان وقایع‌نگار، ملت‌های جهان عمدتاً ملت‌هایی بودند که اکنون در انگلیسی به آنها خاورمیانه می‌گوییم. بنابراین، وقایع‌نگار با آدم شروع می‌کند و ما را به نوح می‌رساند.

این در چهار آیه اول است. اساساً، او فقط فصل ۵ پیدایش را برمی‌دارد و فهرستی از نام افرادی که قبل از طوفان زندگی می‌کردند را به ما می‌دهد. این ما را به نوح می‌رساند.

نوح می‌رسیم، سام، حام و یافث را داریم. و این ما را به پیدایش فصل ۱۰ و ملت‌ها پس از طوفان می‌برد. حال، این نیز بسیار بسیار مهم است زیرا قرار است پیدایش فصل ۱۰ پس از طوفان جامع باشد.

حام تمام ملت‌های آفریقا، یافث تمام ملت‌های یونان و سام تمام ملت‌های سرزمینی است که امروزه عراق و سوریه می‌نامیم.

سرزمین‌های کنار رود فرات که ما آنها را به عنوان سامی‌ها می‌شناسیم. بنابراین، هنگامی که وقایع‌نگار، پیدایش ۱۰ را به روایت خود به ما ارائه می‌دهد و با این حال دقیقاً آنچه را که فصل ۱۰ پیدایش است منعکس می‌کند، ما را به سمت سامی‌ها سوق می‌دهد. حال، بگذارید فقط بگویم که فصل ۱۰ پیدایش دقیقاً شامل ۷۰ ملت است.

در تثنیه فصل ۳۲ آیه ۸، آن شعر بلند موسی، می‌خوانیم که خداوند تمام سرزمین‌های جهان را بر اساس تعداد فرزندان بنی‌اسرائیل تعیین کرد. بنابراین، آنچه اتفاق می‌افتد این است که در پیدایش فصل ۴۶ تعداد فرزندان بنی‌اسرائیل دقیقاً ۷۰ نفر ذکر شده است. در تمام روایات اینطور نیست، زیرا می‌توانید به روش‌های مختلف یک فهرست نماینده داشته باشید.

به همین دلیل است که استیفان در کتاب اعمال رسولان می‌گوید ۷۵ نفر بودند. اما در متن عهد عتیق عدد بسیار مهم بود و برای وقایع‌نگار نیز بسیار مهم است زیرا به عنوان عدد هفت، نمایانگر تمام ملت‌های ۷۰ جهان است. و سپس به سام می‌رسیم و این ما را به ابراهیم می‌رساند.

و البته، در اینجا، وقایع‌نگار به روشی که اغلب انجام می‌دهد، یک جمله‌ی الهیاتی بیان می‌کند. او می‌گوید ابراهیم، همان کسی است که ابراهیم است. فقط همین را می‌گوید.

او اشاره می‌کند که نام تغییر کرده است، اما برای او، این موضوع بسیار مهم است، زیرا برای او، این وعده است. خدا نام ابراهیم را تغییر داد زیرا او قرار بود پدر یک ملت بزرگ باشد - نه فقط یک پدر والامقام، بلکه پدر یک ملت بزرگ، و این همان ملتی است که وقایع‌نگار می‌خواهد درباره آن صحبت کند.

بنابراین، در آن مرحله فقط یک کلمه اضافه شده است، اما وقتی وقایع‌نامه را می‌خوانید، متوجه می‌شوید که این بسیار مهم است. حالا، او هیچ چیزی را از قلم نمی‌اندازد. او با اسماعیل و قطوره شروع می‌کند.

نوادگان اسماعیل عمدتاً در غرب عربستان و نوادگان قطوره عمدتاً در جنوب و شرق عربستان هستند. بنابراین، عیسو با استفاده از بخش کوچکی از پیدایش ۳۶، نه خیلی زیاد، جزئیاتی را برای ما شرح می‌دهد و سپس در مورد سعیر صحبت می‌کند. در تاریخ و در پیدایش، سعیر که سرخ‌رنگ است، همیشه با ادوم و همیشه با عیسو مرتبط است.

بنابراین، عیسو و سعیر از نظر ریشه‌شناسی به این شکل به هم مرتبط هستند. از نظر تبارشناسی، ما در کتاب مقدس خود چیزی در مورد سعیر نداریم، اما برای وقایع‌نگار این موضوع بسیار مهم بوده و او نوعی سابقه در مورد آن داشته است و سپس فهرستی از پادشاهان سعیر به ما می‌دهد که باید آنها را اساساً به عنوان شاهزادگانی که بر سرزمینی نسبتاً کوچک حکومت می‌کردند، در نظر بگیرید و سپس فهرستی از روسای ادوم و سعیر ارائه می‌دهد که ما را از طریق عیسو به انتهای نسل ابراهیم می‌رساند. این ما را به اسرائیل می‌رساند.

تواریخ به ما می‌گوید که پسران ابراهیم، عیسو و اسرائیل بودند. نام یعقوب ذکر نشده است زیرا این اسرائیل است که اهمیت دارد. و وقتی او پسران اسرائیل را به ما می‌دهد، که اکنون داستانی است که او می‌خواهد برای ما تعریف کند، به ما نشان داده است که آنها از نظر ملت‌ها چه کسانی هستند؛ او آنها را به ترتیب خودش، پسران لیه و راحیل و سپس پسران بیلا و زلفه معرفی می‌کند.

بنابراین، همه نام‌ها در متن پیدایش وجود دارند، اما آنها به ترتیب خود وقایع‌نگار آمده‌اند تا به لیه و راحیل و پسرانشان برتری و اهمیت بیشتری بدهند. در اینجا، داستان را ادامه می‌دهیم تا ببینیم این بنی اسرائیل چه کسانی هستند.

این دکتر آگوست کانکل و آموزه‌های او در مورد کتاب تواریخ است. این جلسه ۲، اسرائیل و تواریخ است.